

بازگشت آمریکا به شرق آسیا و

رویکرد نظام امنیتی منطقه

محمد خوش‌هیكل آزاد^۱

چکیده: به دنبال ظهور چین و گسترش نقش و نفوذ آن در شرق آسیا، به رغم حضور نهادینه آمریکا در ژاپن و کره جنوبی با نیروهای رسمی نظامی و در سنگاپور و استرالیا و فیلیپین طبق قراردادهای خاص، بازگشت به آسیا مورد توجه دولت‌مردان آمریکایی قرار گرفته است. با این ملاحظه این سؤال به ذهن متبادر می‌شود با بازگشت آمریکا به شرق آسیا ترتیبات امنیتی منطقه به چه نحوی مدیریت می‌گردد؟ در جنوب شرقی آسیا در دوره جنگ سرد و به منظور مهار و عدم نفوذ کمونیسم به منطقه، اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا "آسه‌آن" در ۱۹۶۷ شکل گرفت؛ ولی به دنبال فروپاشی شوروی، مجمع منطقه‌ای آسه‌آن با تمرکز بر مسائل امنیتی که نمایان‌گر همگرایی و ادامه کاربردی بودن این سازمان در پاسخ به نیازهای قرن ۲۱ بود، در سال ۱۹۹۴ تشکیل شد. در این پژوهش با استفاده از نظریه "همگرایی منطقه‌ای" به اثبات نقش آسه‌آن و مجمع منطقه‌ای آسه‌آن در شکل‌دهی رقابت‌ها و تقابل‌های آمریکا و چین در امنیت منطقه پرداخته شده است.

در این مقاله مشاهده خواهیم کرد که نظامی چندقطبی با امنیت معطوف به همکاری چندجانبه منطقه‌ای با محوریت آسه‌آن و در قالب مجمع منطقه‌ای آسه‌آن، پس از ۱۹ سال اعتمادسازی، با دیپلماسی پیش‌گیرانه به مسائل امنیتی حساس منطقه پرداخته و از ایجاد تنش توسط قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا و چین جلوگیری نموده و با سازوکار حل و فصل مناقشات در گام سوم درصدد است تا الگوی موافقی از مشارکت منطقه‌ای را در سایر مناطق جهان عرضه نماید.

واژگان کلیدی: آمریکا، مجمع منطقه‌ای آسه‌آن، همگرایی منطقه‌ای، الگوی امنیت معطوف به همکاری.

مقدمه

منطقه‌گرایی^۱ را پدیده دهه ۹۰ می‌دانند چرا که در دوره جنگ سرد و نظام دوقطبی با حضور دو ابرقدرت شوروی و آمریکا در مناطق با به‌کارگیری اهرم‌های مختلف منافع خود را تأمین می‌کردند. با فروپاشی شوروی و شکل‌گیری جهانی شدن، مناطق مختلف جغرافیایی فرصت یافتند تا بیشتر به ایفای نقش پردازند و عملاً در شرق آسیا که با رشد و توسعه اقتصادی چشمگیری همراه بود، هزینه‌های امنیت بر عهده ایشان گذاشته شد و حتی نیروهای نظامی آمریکا در آسیا-پاسیفیک تقلیل یافت. اما به‌دنبال ظهور چین و گسترش نقش و نفوذ آن در شرق آسیا و پس از فراغت نسبی آمریکا پس از حادثه یازده سپتامبر و تهاجمات نظامی به عراق و افغانستان، مجدداً توجه به منطقه و تقویت حضور این کشور به‌رغم حضور نهادینه‌اش در ژاپن و کره جنوبی با نیروهای رسمی نظامی و در سنگاپور و استرالیا و فیلیپین طبق قراردادهای خاص پر رنگ شده که به نوعی بازگشت به آسیا است. با این ملاحظه این سؤال به ذهن متبادر می‌شود، با بازگشت آمریکا به شرق آسیا ترتیبات امنیتی منطقه به چه نحوی مدیریت می‌گردد؟

در جنوب شرقی آسیا در دوره جنگ سرد و به منظور مهار و عدم نفوذ کمونیسم به منطقه، اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا "آسه‌آن"^۲ در سال ۱۹۶۷ شکل گرفت. ولی در نهایت حکومت‌های کمونیستی هم به این اتحادیه جذب شدند که عامل جغرافیایی و همگرایی این کشورها در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پس از ۴۴ سال و در دوره پس از جنگ سرد با تدارک منشور آسه‌آن و تشکیل جامعه اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و شکل‌گیری هویت آسیایی در سال‌های آتی ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰ مدنظر مدیران این منطقه قرار گرفت.

آسه‌آن پس از فروپاشی شوروی برای پر کردن خلأ امنیتی حاصله، مجمع منطقه‌ای آسه‌آن^۳ را با تمرکز بر مسائل امنیتی و سیاسی که نمایان‌گر ادامه همگرایی و کاربردی بودن این سازمان در پاسخ به نیازهای قرن ۲۱ بود، تشکیل داد. آسه‌آن با تمرکز بر خود و در جهت شکل‌دهی هویت آسیایی و تشکیل جامعه اقتصادی و فرهنگی خود که نتیجه رشد و توسعه اقتصادی معجزه آسا در این منطقه و ادامه آن در قرن ۲۱ است و لزوم ثبات در جهت این مهم همواره سعی نموده است تا به کمک مجمع

-
1. Regionalism
 2. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)
 3. ASEAN Regional Forum

منطقه‌ای آسه‌آن با نوعی تعامل پویا یا سیاست امنیت معطوف به همکاری^۱ و گفتگو و مشورت که معروف به "راه‌حل آسه‌آنی"^۲ است، طرف‌های ذی‌نفع را به تعامل فعال و مثبت بکشاند و در رقابت‌ها و تضادها، مناقشه‌ها را به گفتگو، دوستی و همکاری سوق دهد؛ لذا در برابر ظهور چین در آسیای شرقی به جای طرد آن با تعمیق و توسعه پیوندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سعی در جذب آن دارند؛ همان‌طور که از حضور آمریکا به‌عنوان یک توازن‌کننده در امنیت منطقه، برای ثبات و رشد و توسعه اقتصادی در جنوب شرقی آسیا و آسیای شرقی استفاده می‌کنند. بنابراین، کشورهای جنوب شرقی آسیا در ادامه تعمیق همگرایی منطقه‌ای در قالب آسه‌آن، برای حل‌وفصل مسائل امنیتی خود از مجمع منطقه‌ای آسه‌آن و در قالب رهیافت امنیت معطوف به همکاری در تلاش هستند تا منازعه‌ها و رقابت‌ها را در منطقه و حتی در سطح بین‌المللی مدیریت نمایند.

باری بوزان^۳، متخصص معروف مسایل امنیتی، معتقد است "روابط آمریکا و چین و چین با منطقه آسیای شرقی (و جنوب شرقی آسیا) نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت شرق آسیا و حتی جهان دارد" (Cooperative Security Region, 2005: 215). لذا نقش آسه‌آن و به‌خصوص مجمع منطقه‌ای آسه‌آن یا ببرهای آسیایی در شکل‌دهی رقابت‌ها و تقابل اژدهای بیدار و عقاب تیزچنگ به همکاری و تعامل مثبت و فعال و تبدیل اژدهای بیدار شده به غولی مهربان و شکیبا، اساسی و مهم می‌باشد.

در ساماندهی این مقاله پس از بررسی نظری موضوع از منظر تئوری همگرایی منطقه‌ای به تبیین دلایل بازگشت آمریکا به شرق آسیا و سپس تبعات امنیتی آن و نحوه برخورد کشورهای جنوب شرقی آسیا از طریق مجمع منطقه‌ای آسه‌آن پرداخته و نهایتاً به دیدگاه کشورها و کارشناسان مهم منطقه و جهان اشاره خواهیم کرد.

همگرایی منطقه‌ای^۴

معمولاً انسجام نظام‌های سیاسی به‌خاطر ارزش‌های مشترک یا کاربرد زور یا تهدید به کاربرد زور شکل می‌گیرد. همگرایی را فرایندی می‌دانند که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه (بدون توسل به زور) از اعمال اقتدار خویش برای رسیدن به اهداف

1. Cooperative Security
2. ASEAN Way
3. Barry Buzan
4. Regional Integration

مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می کنند (قاضی زاده، طالبی فر، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۲). دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص مطرح است که رویکرد کارکردگرایی دیوید میترا نی،^۱ نظریه پرداز انگلیسی رومانی تبار، بر همکاری فن شناسان و نه نخبگان سیاسی تأکید دارد، که موجب می گردد همکاری‌ها به صورت تدریجی به سمت وحدت منطقه‌ای و جهانی رفته و صلح جهانی محقق شود. رویکرد دیگر نوکارکردگرایی ارنست هاس،^۲ نظریه پرداز آمریکایی آلمانی تبار، با تجربه وحدت اروپا است که بر نقش نخبگان بخش دولتی و خصوصی و توجه به فعالیت‌ها در سازمانی فراملی با ملاحظه عدم جدایی سیاست و اقتصاد و اهمیت سیاسی مسائل اقتصادی و بُعد فایده‌گرایانه تعاملات تأکید دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۰).

فلسفه منطقه‌گرایی بر این مبنا استوار است که دستیابی به یک وحدت جهانی در شرایط امروز دنیا بسیار بعید و غیرقابل تحصیل است و باید با بسیج نیروهای پیونددهنده منطقه‌ای زمینه حصول به آرمان متعالی را فراهم ساخت. شکل‌گیری منطقه‌گرایی در دوره جنگ سرد از بالا به پایین بود؛ ولی در حال حاضر این روند خودجوش و فراگیرتر، وسیع‌تر و چندبُعدی‌تر شده است. مدل منطقه‌گرایی اروپایی در جهان مورد توجه واقع شده است (قاضی زاده، طالبی فر، ۱۳۸۸: ۴۴-۳۳).

به‌طور کلی در خصوص ترتیبات و توافقات و یا پیمان‌های منطقه‌ای، منطقه را چنین تعریف می‌کنند که در نتیجه خودآگاهی اعضا، مجاورت جغرافیایی، میزانی از خودمختاری و تمایز از نظام جهانی، تعاملات شدید و منظم بین اعضا یا وابستگی متقابل و درجه بالایی از قرابت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد و امنیت منطقه‌ای هم به دلیل مشکلات و مسائل امنیتی مشترک که یک همبستگی بین کشورها ایجاد کرده است، شکل می‌گیرد.

در مدیریت و الگوهای امنیت منطقه‌ای پس از جنگ سرد، از پنج راه‌حل برای برقراری امنیت در سطح منطقه‌ای نام می‌برند که عبارتند از: ۱. موازنه قوا (تک‌قطبی یا هژمونیک، دوقطبی یا چندقطبی)، ۲. کنسرت (مسئولیت دسته‌جمعی قدرت‌مندترین کشورها در یک منطقه است)، ۳. امنیت دسته‌جمعی چندجانبه (نه قدرت‌های بزرگ که موافقت جمعی همه کشورها مثل اتحادیه ملاک است)، ۴. جامعه امنیتی تک‌ثرت‌گرا (ضمن خودمختاری و استقلال جامعه، اعضا به هم اعتماد دارند مثل آمریکای شمالی و یا آسه‌آن که در صدد رسیدن به آن می‌باشد) ۵. جامعه امنیتی همگرا (شرکت‌کنندگان

1. David Mitrany Functionalism
2. Ernest B. Hass Neo-Functionalism

روابط را از چارچوب سیاست بین‌المللی تغییر داده و یک جامعه امنیتی ادغام‌شده‌ای را شکل می‌دهند که حتی استفاده از زور برای تأمین امنیت داخلی، تحت نظارت دسته‌جمعی است؛ مثل همگرایی اروپایی). (بلندیان، ۱۳۹۰: ۲۱-۱۴).

شایان ذکر است در چارچوب امنیت دسته‌جمعی، امنیت معطوف به همکاری قابل توجه است که در آن هیچ بازیگری نمی‌تواند به تنهایی به شیوه‌ای یک‌جانبه به امنیت دست یابد. گفتگو و شفافیت و پذیرش بازیگران ناهمسو برای اطمینان‌بخشی و اعتمادسازی مهم‌اند؛ تا فهم مشترکی از آینده حاصل شود. در ادامه تعاملات مستحکم، مواضع سیاسی مشترک اتخاذ می‌شود و جامعه امنیتی تکثرگرا شکل می‌گیرد و اگر سازوکار نهادی برای تنظیم سیاست‌ها ایجاد شود، جامعه امنیتی همگرا تشکیل شده است.

آسه‌آن به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای که از بالا به پایین و به دلیل سیاسی و امنیتی ایجاد شده بود؛ پس از فروپاشی شوروی به همگرایی خود با کارکرد اقتصادی ادامه داد. این روند نوین که خودجوش و از پایین به بالا بود، از نگاه مکتب سازه‌انگاری^۱ موجب شکل‌گیری هویتی نو در نتیجه گسترش تعاملات اعضای آسه‌آن و درونی شدن هنجارها در سازمان به نام هویت آسیایی شد؛ که همین هویت موجب پایداری آن در قرن ۲۱ شده و آن را نمونه‌ای قابل توجه از سازمانی موفق در همگرایی منطقه‌ای ساخته است (سازمند، ۱۳۸۸: ۱۰-۹). با ظهور چین و بازگشت آمریکا به منطقه، نظام امنیتی تعبیه‌شده در آسه‌آن که از طریق مجمع منطقه‌ای طی نوزده سال گذشته روند اعتمادسازی را طی کرده، درصدد ورود به دیپلماسی پیش‌گیرانه و بعد حل‌وفصل مناقشه‌هاست. از ۵ الگوی امنیتی مطروحه مجمع با اتخاذ الگوی امنیت معطوف به همکاری از امنیت دسته‌جمعی به جامعه امنیتی تکثرگرا و بُعد همگرا در حرکت است تا مدیریت منطقه را در جهت حفظ رشد و توسعه اقتصادی به جای مسابقه تسلیحاتی و جنگ در دست گیرد.

بازگشت آمریکا به شرق آسیا

با فروپاشی شوروی و خروج نسبی نیروهای آمریکایی و شوروی سابق به ترتیب از فیلیپین و ویتنام در اوایل دهه ۹۰ و خلأ یک سیستم امنیت منطقه‌ای از یک طرف و وجود زمینه‌های بحران‌سازی چون جزایر اسپرانتلی و دریای جنوبی چین، شبه جزیره

کره، اختلافات چین و تایوان، اختلافات ارضی ژاپن و کره و... از طرف دیگر باعث گردید کشورهای جنوب شرقی آسیا به ویژه اعضای آسه‌آن گفتگو و رایزنی‌هایی را با طرف‌های مذاکره‌ای خود جهت ایجاد یک ترتیبات امنیتی فراگیر در منطقه آغاز نمایند. در این اوضاع آمریکا نسبت به روسیه، درگیر در مشکلات داخلی، در وضعیت بهتری بود و هند هنوز در حد یک قدرت فرامنطقه‌ای مطرح نبود، چینی‌ها در حال خروج از لاک انزوا بودند و ژاپن هم تحت چتر امنیتی آمریکا قرار داشت (فیاضی، ۱۳۹۰: ۴-۱).

بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در کمیته میزبان اجلاس سیاتل در ۱۹ نوامبر ۹۳ (اجلاس اپک) اظهار نمود: "آنچه که در نیم قرن گذشته در آسیا اتفاق افتاده، تعجب‌آور و غیرقابل پیش‌بینی بود. سه دهه قبل آسیا فقط ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را داشت ولی حالا به ۲۵ درصد رسیده است. رشد این اقتصاد ۳ برابر نرخ رشد ملت‌های صنعتی تثبیت شده است. در زمان کوتاهی بسیاری از این اقتصادها از دومینو بودن (به دام کمونیسم غلتیدن) به داینامویی (پویایی و رشد و توسعه) حرکت کرده‌اند". به عبارتی دیگر در وضعیت جدید برای حفظ و کنترل آسیا که به قول کلینتون "متحدین استراتژیک ما به رقبای اقتصادی تبدیل شده‌اند" و یا کریستوفر، وزیر خارجه وقت آمریکا جامعه جدید پاسیفیک را با مشخصه‌های حقوق بشر و منافع اقتصادی و امنیت نظامی ترسیم می‌کند و عملاً به کشورهای منطقه نشان می‌دهند که با توجه به توانایی‌های جدید آن‌ها، باید در ابعاد نظامی و اقتصادی سهم خود را بپردازند (Brenson, 1994: 17).

بدین ترتیب حضور آمریکا کم‌رنگ گردید؛ تا این که با ظهور مجدد چین حضور این کشور در منطقه پررنگ شد. در این خصوص هشدارهای ساموئل برگر، دستیار رئیس شورای امنیت ملی آمریکا، در دوره رئیس جمهوری بیل کلینتون، قابل توجه است. وی معتقد است ۲۰ سال قبل آمریکا در رأس ایجادکنندگان برخی نهادهای اصلی همکاری‌های منطقه‌ای در منطقه آسیا- پاسیفیک به‌طور مشخص مجمع منطقه‌ای آسه‌آن و مجمع همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسیفیک^۱ بوده و در هر دوی این مجامع نقش رهبری داشته است (Berger, 2011: 25). ولی روندهای جدیدی در آسیا در حال شکل‌گیری است که در آن‌ها از آمریکا دعوت نمی‌شود که از جمله آن‌ها آسه‌آن به علاوه ۳ با ده کشور آسه‌آن و چین، کره جنوبی و ژاپن و یا تشکیل اجلاس آسیای شرقی^۲ با هدف ایجاد جامعه جدید آسیای شرقی و عدم دعوت از آمریکا در اجلاس دسامبر ۲۰۰۵

1. Asia- Pacific Economic Cooperation (APEC)

2. East Asia Summit

در مالزی است. چین در دهه ۹۰ با دیپلماسی دوجانبه و تعامل قوی در جامعه آسیای شرقی و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای به‌خصوص آن‌هایی که آمریکا در آن حضور ندارد، سعی در کاهش نقش آمریکا داشته و از طرفی دیگر به کشورهای منطقه چنین می‌خواهد بفهماند که همسایه خوبی است و تهدیدی به شمار نمی‌رود. سه تلاش بزرگ چین مشارکت در آسه‌آن به‌علاوه ۳ و همکاری در مباحث اقتصادی و امنیتی، ایجاد سازمان همکاری شانگهای^۱ و محدود کردن نقش آمریکا در آسیای مرکزی توسط روسیه و چین و بالاخره اجلاس آسیای شرقی در کوالالامپور (۲۰۰۵) و حضور آسه‌آن به‌علاوه ۳ یا هند و استرالیا و نیوزلند بدون آمریکا است.

برگر به‌رغم نگرانی ابراز شده می‌گوید اگر حداقلی نگاه کنیم، سازمان‌های منطقه‌ای که چین در آن‌ها فعال است، اساساً محلی برای گپ و گفت هستند، آسه‌آن و مجمع منطقه‌ای آسه‌آن از طریق مشورت، گفتگو و اجماع کار می‌کنند. آن‌ها فقط گام‌های سیاسی مهم برمی‌دارند و از تلاش‌های مبتنی بر زور پرهیز می‌کنند و کدهای ارزشی رفتاری یا تحریم تنبیهی^۲ را اجبار و تحمیل می‌کنند. کار در مجمع منطقه‌ای آسه‌آن اختیاری است و اظهارات الزام‌آور نیست و اقدامش اعتمادسازی برای اعضاست و ایجاد محدودیت نمی‌کند. اما بستن دست‌وپای چین در چارچوب وسیع‌تر سازمان‌های بین‌المللی و تشویق آن به توجه به منافع سایر کشورها مهم است و آمریکا هم باید ضمن شناسایی حق مشروع آسیای شرقی به تقویت مؤسساتش، به مشارکت راهبرانه‌اش در مهندسی وسیع‌تر آسیا-پاسیفیک مثل مجمع منطقه‌ای آسه‌آن و اپک با طرح موضوعات وسیع امنیتی و اقتصادی ادامه دهد. آمریکا به کمک دوستان و متحدینش در منطقه باید در جهت همگرایی جامعه جدید آسیای شرقی با سازمان‌های نهادینه‌شده‌تر آسیا-پاسیفیک تلاش کند. موقعیت این سازمان‌ها فقط گفتگو و مشورت نیست که حل مشکلات و ایجاد اجماع است (Berger, 2011: 26-27).

هیلاری کلینتون، وزیر خارجه سابق آمریکا با تکرار همان نگرانی‌های ساموئل برگر به صورت سیاست اعلامی به آسه‌آن تذکر می‌دهد که خواسته آمریکا حضور در منطقه و تعهد آن به حضور و مشارکت جدی در نهادهای منطقه در عین رعایت ملاحظات منافع طرفین است. وی با پر رنگ کردن ملاحظات امنیتی در عین توجه به ملاحظات اقتصادی که این منطقه از اهداف بازار آمریکاست، تهدید تلویحی چین را که از طریق نفوذ خزنده در منطقه و عقب راندن آمریکا طی سالیان متمادی محقق شده،

1. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

2. Punitive

جدی دانسته و خواستار نقش بیشتر آمریکا در همه نهادهای منطقه است. چرا که وی امنیت و رشد و توسعه اقتصادی منطقه را مدیون حضور و مساعدت آمریکا می‌داند و به دلیل نیاز متقابل آمریکا و منطقه به هم تأکید می‌کند که باید با مشورت و همکاری یکدیگر مهندسی نوین و نهادینه منطقه را از طریق مجمع منطقه‌ای آسه‌آن پی‌ریزی کرد؛ اگرچه وی بر نقش متحدین، بازیگران اصلی و نهادهای بخشی و زیربخشی در منطقه نیز تأکید دارد.

کلینتون در مراسم پنجاهمین سالگرد تأسیس مرکز شرق و غرب^۱ در ژانویه ۲۰۱۰ گفت از زمان روی کار آمدن دولت جدید، آمریکا به آسیا بازگشته است. اما می‌خواهم تأکید کنم آمریکا برگشته که بماند. منطقه‌ای که از دانه لوبیا به ماهواره رسیده است، از مناطق روستایی دور افتاده به ابرشهرها ارتقا یافته، از نوشتار قدیمی به پیام‌های لحظه‌ای رسیده است و از همه مهم‌تر این که از کینه و عداوت قدیمی به مشارکت جدید دست یافته است. این روند با توجه به حضور و مساعدت امنیتی ایالات متحده آمریکا استمرار یافته است. آینده آمریکا به آینده آسیا-پاسیفیک گره خورده است و آینده منطقه نیز به آمریکا وابسته می‌باشد. صادرات کالا و خدمات شرکت‌های آمریکایی به منطقه ۳۲۰ میلیارد دلار می‌باشد که توانسته میلیون‌ها شغل ایجاد نماید. صدها هزار آمریکایی در تأمین امنیت منطقه مشارکت دارند. همچنان که وزیر دفاع آمریکا گفته: آمریکا نه به‌عنوان یک قدرت میهمان بلکه به‌عنوان یک قدرت مقیم در آسیا حضور دارد. در مقابل، آسیا حضور مهمی در آمریکا دارد. اصل و نسب بیش از ۱۳ میلیون آمریکایی به این بخش جهان باز می‌گردد. آسیا در حال حاضر با بالاترین استاندارد زندگی است و هدف توسعه هزاره، یعنی کاهش ۵۰ درصدی فقر در فاصله زمانی ۲۰۱۵-۱۹۹۹ را پشت سر گذارده است (Hillary Clinton, 2010: 1-7).

هیلاری کلینتون در توصیف و تبیین مشخصه‌های بیشتر و مهم جنوب شرقی آسیا می‌گوید که در کنار راه‌های دریایی استراتژیک واقع است و نیمی از نفت جهان و بیش از یک‌سوم کالاهای جهان از آن می‌گذرد. جهانی‌شدن قصه موفقی در جنوب شرقی آسیاست. این منطقه خانه ملت‌های با اکثریت مسلمان با اسلام میانه‌رو و نافی رادیکالیسم مذهبی است. جمعیت ۶۰۰ میلیون نفری با تولید ناخالص داخلی حدود ۱/۵ تریلیون دلاری و تجارت آمریکا که از ۴۵/۹ میلیارد دلار در سال ۹۰ به ۱۷۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است و آسه‌آن در ابتکار صادرات ملی آمریکا جایگاه مهمی

دارد. تأیید پیمان دوستی و همکاری،^۱ ابتکار دیدار رهبران آمریکا-آسه‌آن، مشارکت در اجلاس آسیای شرقی و دیدار ویژه وزرای دفاع آسه‌آن و اعزام دیوید کاردن، سفیر مستقل آمریکا نزد دبیرخانه آسه‌آن، همه و همه تعهد پایدار آمریکا را به ارتقای تعامل استراتژیک در بین کشورهای جنوب شرقی آسیا و آسه‌آن می‌رساند (Strategic Review, 2011, 121).

وی درخصوص چالش‌های امنیتی و انسانی جهانی عنوان می‌کند پیشرفت آسیا تضمین شده نیست، آسیا محل قدرت‌های در حال ظهور، رژیم‌های منزوی، چالش‌های طولانی‌مدت و تهدیدات غیرقابل پیش‌بینی است و در عین حال اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، رقابت نظامی و تسلیحاتی، بلایای طبیعی، خشونت افراطی، بحران‌های مالی، تغییرات آب و هوایی و بیماری‌های واگیردار فراتر از مرزها، از جمله خطرات مشترک است. این دورنمای جدید نیاز به ایجاد یک مهندسی نهادینه دارد. برای سال‌ها رهبران آسیایی در مورد تقویت همکاری‌های منطقه‌ای گفتگو کرده‌اند و مهندسی امنیتی، سیاسی و اقتصادی آسیا در حال ظهور است. آمریکا نه تنها به داشتن روابط دوجانبه پایدار خود ادامه می‌دهد بلکه به نهادهای منطقه‌ای و همکاری‌های چندجانبه نیز اهمیت می‌دهد. کلینتون پس از مقدمات مطروحه اصول شش گانه آمریکا را در منطقه به صراحت عنوان می‌کند که حاوی نکات پر اهمیتی به شرح ذیل است:

۱. ادامه روابط آمریکا با متحدین یعنی ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، تایلند و فیلیپین که سنگ بنای حضور منطقه‌ای آمریکا است.
۲. تعهد به تقویت روابط با دیگر بازیگران کلیدی منطقه مثل گفتگوی راهبردی با هند، گفتگوی اقتصادی با چین، مشارکت جامع با اندونزی، تقویت مشارکت با شرکای جدیدی چون ویتنام و شرکای دراز مدت مثل سنگاپور.
۳. به‌کارگیری نهادهای منطقه‌ای جهت پیشبرد اهداف روشن و تهدیدات قرن ۲۱، مثل امنیت و ثبات (توجه به اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، مناقشات سرزمینی و رقابت نظامی)، گسترش رشد و فرصت‌های اقتصادی (رفع موانع سرمایه‌گذاری و تجارت، شفافیت بازار، ارتقای متوازن و پایدار جامع الگوهای رشد اقتصادی) و توسعه دموکراسی و حقوق بشر (ارتقای جوامع باز و تشویق راه‌اندازی کمیسیون حقوق بشر آسه‌آن). تلاش در این نهادها باید مؤثر بوده و بر کسب نتایج لازم تمرکز نماید؛ پس این نهادها نیاز به مدیریت مؤثر دارند. در مورد مسئله امنیت، آمریکا علاقه‌مند به تقویت مجمع منطقه‌ای

1. Treaty of Amity and Cooperation (TAC)

آسه آن است. ایجاد پست سفیری نزد آسه آن در جاکارتا، تقویت این روند نهادینه سازی است.

۴. حمایت از نهادهای بخشی منطقه‌ای مثل گفتگوهای شش جانبه^۱ تا امکان غیرهسته‌ای شدن کره شمالی را محقق سازد. روابط با کشورهای مکونگ سفلی، گفتگوهای سه جانبه راهبردی با ژاپن و استرالیا و از سویی دیگر با ژاپن و کره جنوبی. ۵. در ارتباط با نهادهای زیربخشی اعتقاد راسخ داریم که آسه آن یک نمونه موفق می‌باشد. تصمیمی که در این اتحادیه مبنی بر همگرایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی-امنیتی گرفته شد، تصمیم مهمی بود. ما به حمایت از آسه آن ادامه می‌دهیم و بر فعالیت‌های ظرفیت‌ساز تحت مشارکت بسط داده شده آسه آن-آمریکا و توافق‌نامه چارچوب سرمایه‌گذاری و تجارت آسه آن-آمریکا تأکید می‌ورزیم. بعد از این که وزیر خارجه آمریکا شدم، اعلام کردم که آمریکا باید خودش را نشان بدهد (با حضور در نهادهای سازمان‌ها، ترتیبات منطقه‌ای و همچنین از طریق دیپلماسی عمومی). از آنجایی که سازمان‌های جدیدی از جمله مجمع منطقه‌ای آسه آن، آسه آن به علاوه ۳ و سازمان همکاری شانگهای پدید آمده است، آمریکا امیدوار است در آن‌ها مشارکت فعال داشته باشد.

۶. ملل منطقه آسیا-پاسفیک باید به تعریف چارچوب نهادهای منطقه‌ای بپردازند. هر کس ممکن است جایگاه و هدف خاص خود را داشته باشد، لیکن حوزه تعریف آن باید شامل همه مشارکت‌کنندگان اصلی باشد. اپک نمونه‌ای از این امر است و یا اجلاس آسیای شرقی یا هرگونه ترتیبات جدیدی که ممکن است، پدید آید. این سؤال مهمی است که باید با مشورت و همکاری یکدیگر به آن پاسخ بدهیم (Hillary Clinton, 2010: 6-7).

اوباما، رئیس جمهور آمریکا، در ۵ ژانویه ۲۰۱۲ در بازبینی راهبرد دفاعی کشورش به‌ویژه از تهدید چین به عنوان قدرت جدید اقتصادی و نظامی نام برد. از نگاه آمریکا، رشد اقتصادی چین موجب تقویت توان نظامی آن شده (سهم فزاینده بودجه نظامی و بازسازی بخش نظامی) و موازنه جدیدی در آسیا با هژمونی آن کشور و حتی در سطح جهانی ایجاد می‌شود. پس راهبرد ابتدایی آمریکا در قبال چین به جای "رقابت-همکاری" به "همکاری-تقابل" در جهت مهار آن کشور و با برقراری روابط راهبردی با هند جهت لنگرگاه اقتصادی و تأمین‌کننده امنیت، سرمایه‌گذاری شده

است. در این راستا روابط تجاری ۵۰۳ میلیارد دلاری دو کشور در سال ۲۰۱۱، تولید ۱۱ تریلیون دلاری چین با حدود ۱۸٪ صدور تولیدات به آمریکا، ۳/۲ تریلیون دلار ذخیره ارزی و ۱/۳ تریلیون دلار سپرده چین در آمریکا قابل توجه است؛ که مقوله همکاری را در راهبرد آمریکا تقویت می‌کند (عراقچی، سبحانی، ۱۳۹۱: ۳۸-۳۷).

اوباما در نشست رهبران آسه‌آن نیز گفته بود که کشورش خواهان ایفای نقش رهبری در آسیاست و پانته‌آ، وزیر دفاع آمریکا از راهبرد جدید دفاعی آن کشور و استقرار ۶۰ درصد نیروهای نظامی در اقیانوس آرام و ۴۰ درصد در اقیانوس اطلس خبر داد و این که از ۲۸۵ ناو جنگی، نیمی در اقیانوسیه مستقر خواهند شد. البته بدیهی است که دلایل اصلی بازگشت آمریکا به آسیا رشد و توسعه عظیم این منطقه و تجمع ثروت و شکل‌گیری آینده سیاست بین‌الملل در آسیاست که با منافع مجتمع‌های نظامی-صنعتی آمریکا نیز منطبق می‌باشد.

در خصوص جایگاه آسیا در سیاست بین‌الملل تولید کنونی آن تا ۲۰۵۰ دو برابر شده و ۵۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می‌دهد و هند پس از آمریکا و چین و آمریکا در سال ۲۰۲۵ سومین اقتصاد عظیم جهانی می‌شود (عراقچی، سبحانی، ۱۳۹۱: ۴۱). آمریکا در پی برتری جوئی و هژمونی خود حتی با فروپاشی شوروی از قدرت نظامی خود نکاست و از سال ۲۰۰۱ بودجه نظامی‌اش از ۲/۸ درصد به ۴/۷ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. بودجه مصوب نظامی آمریکا در ۲۰۱۲ رقم ۶۹۶ میلیارد دلار یا ۱۹ درصد بودجه ۳/۷ تریلیون دلاری آمریکا بوده است.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، خصوصی‌سازی ارتش گسترش یافت و در ده سال گذشته سهم تولیدات نظامی ۱۲۳ درصد افزایش یافته است؛ در حالی که تولیدات غیرنظامی ۱۹ درصد کاهش داشته است. در این راستا سهم ۲۰ درصدی پنتاگون و مجتمع‌های نظامی-صنعتی و "مثلث فولادین" معروف یعنی ریاست جمهوری-شورای امنیت، نهادهای نظامی و ۸۵ هزار شرکت خصوصی در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا مهم می‌باشد. پس از طرح بهانه‌های تروریسم جهانی، محور شرارت و اسلام دشمن دموکراسی حالا تهدید چین عنوان می‌شود (عراقچی، سبحانی، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۲).

البته در آمریکا در برخورد با چین دو دیدگاه همکاری و تهدید (تقابل) مطرح است که هرکدام دلایل خود را دارند. در دوره اوباما ظاهراً دیدگاه دوم غالب شده است، در حالی که در دوره بیل کلینتون اتحاد راهبردی و در دوره بوش رقیب راهبردی مطرح بود. اما چینی‌ها به دنبال توسعه اقتصادی، تولید ثروت، حفظ وضع موجود و عدم ورود به مسابقه تسلیحاتی هستند (بودجه نظامی چین در سال ۲۰۱۲ رقم ۱۰۶ میلیارد دلار یا ۱/۲ درصد تولید ناخالص داخلی) بوده و خواهان برخورد و تقابل با آمریکا نیستند،

اگرچه از فرصت‌های درگیری آمریکا به‌عنوان رقیب در سایر مناطق استقبال می‌کنند (عراقچی، سبحانی، ۱۳۹۱: ۴۷-۵۱).

اساساً در قدرت‌یابی چین این نکته قابل ذکر است که تغییر و تحول زمانی رخ می‌دهد که قدرت‌ها ظهور یا افول کنند؛ چرا که نظام بین‌الملل یعنی نظام قدرت‌های بزرگ. شاخص‌های یک قدرت بزرگ، توان نظامی، خوداتکایی و غلبه بر هر قدرتی در جنگ و توانمندی است. به عبارتی دیگر، قدرت بزرگ نقش عمده‌ای از جهت امنیتی در سیاست بین‌الملل ایفا می‌کند و قدرت نظامی‌اش فراتر از مرزها رفته و نگاه قاره‌ای و جهانی و نه محلی و منطقه‌ای به منافع خود دارد. قدرت بزرگ دغدغه منافع سیستم و توازن قوا در سطح جهان و قاره را دارد (چگنی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۰).

درخصوص توانمندی چین مناقشه‌ای نیست، ولی کیفیت تحویل و تحول آن هنوز محل سؤال و تردید است و دو نظر مطرح است؛ یعنی ظهور چین مسالمت‌آمیز و خواهان ثبات روابط با آمریکا به عنوان هژمون یا چین چالش‌زا و شکننده. عده‌ای وزن چین و نقش کمک‌کننده آن به بانک جهانی، صندوق بین‌الملل پول و سازمان تجارت جهانی و یا وابستگی چین به آمریکا و اروپا و... و سلاح هسته‌ای و عصر جهانی‌شدن را مانع جنگ دانسته‌اند.

کسیسینجر ظهور چین را قابل مدیریت می‌داند، چرا که روسیه تا مرکز اروپا اعمال نظر می‌کرد ولی چین در جغرافیای خود مانده است و حداکثر چالش احتمالی اقتصادی و سیاسی و نه نظامی خواهد بود. برژینسکی نیز قدرت نظامی چین را منطقه‌ای و نیروی هسته‌ایش را بازدارندگی و ایدئولوژی‌اش را چالش‌برانگیز مثل روسیه نمی‌داند و حتی عنوان می‌کند به دلیل وابستگی متقابل اقتصادی آمریکا و چین، باید چین وارد گروه ۸ شود. چالش‌گرایانی مثل مرشایمر^۱، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو آمریکا، می‌گویند راهی که قدرت‌های نظامی نوظهور رفتند، چین هم می‌رود و به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای سعی بر کنترل آسیا، افزایش شکاف با روسیه و ژاپن و بیرون کردن آمریکا از منطقه دارد. پس رفتاری مثل دوران جنگ سرد باید با چین داشت. حتی لیبرال‌های بدبین هم معتقدند، اگرچه چین از اقتدارگرایی به سوی دموکراسی می‌رود، ولی دموکراسی چینی ناسیونالیستی‌تر و تهاجمی‌تر است، پس نقض حقوق بشر در چین ناشی از ماهیت شیطان‌ی و غیرمشروع (دموکراسی چینی) دارد چرا که اعتقادات به کندی و سختی تغییر می‌کند (چگنی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۶-۱۵).

1. Mershimer

زنگ بی جیانگ، مشاور رئیس جمهور چین مفهوم "ظهور مسالمت‌آمیز" یا نیاز چین به محیطی مسالمت‌آمیز جهت تداوم توسعه به‌مثابه انتخاب راهبردی را مطرح کرده است؛ لذا قدرت نرم چین همان همکاری با قدرت‌های بزرگ و چندجانبه مثل گفت‌وگوهای شش‌جانبه و سازمان همکاری شانگهای است. وی می‌گوید: چین برای نیل به مدرنیزاسیون کشور در سطح توسعه متوسط از دهه ۹۰ تا به حال، چهل و سه سال دیگر زمان نیاز دارد (چگنی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۱).

کیشور محبوبانی^۱، سفیر سابق سنگاپور در آمریکا و استاد دانشگاه لی کوانگ یوی سنگاپور، درخصوص آسیا و تغییر گریزناپذیر قدرت جهانی به شرق، سه سناریوی محتمل یعنی حرکت به‌سوی مدرنیته و شکل‌گیری طبقه متوسط، بازگشت غرب به جای تجارت آزاد به حمایت‌گرایی و بالاخره پیروزی غرب و پایان تاریخ را مطرح می‌کند و سناریوی اول را محتمل می‌داند؛ زیرا مدرنیته به جای جنگ، همکاری را می‌طلبد و در این راستا غرب با عمل‌گرایی و برگشت از رویکردهای ایدئولوژیک، بنای نظم جدید را با کمک آسیا براساس دموکراسی، حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی و عمل‌گرایی می‌گذارد؛ چرا که در دوران جنگ سرد، آسیایی‌ها به‌ویژه نهادهایی چون آسه‌آن و کشور چین کفایت آشکاری در اداره چالش‌های منطقه‌ای در مقایسه با اتحادیه اروپا در بالکان و خاورمیانه و شمال آفریقا داشته‌اند (محبوبانی، ۱۳۸۸: ۲۱۵-۲۰۵).

به نظر می‌رسد راهبرد تقابل-همکاری در روابط آمریکا و چین و عدم بروز جنگ بین دو کشور فرضی محتمل است، چرا که به علت وابستگی بسیار اقتصادی این دو کشور به هم، راه همکاری دنبال خواهد شد. ولی راه تقابل در شکل مهار که کاملاً شبیه شوروی سابق نخواهد بود، با جایابی و حضور جدی در منطقه و عقب‌راندن چین به مرزهای خود برای نمونه تقویت رزمایش‌های نظامی و حضور در کشورهایی که مدت مدیدی حیات خلوت چین بوده‌اند از جمله میانمار و یا تحریک اختلافات ارضی و مرزی در دریای جنوبی چین و ایجاد جبهه مقابله با چین در آسه‌آن و سایر نهادهای منطقه دنبال خواهد شد. چین با بیان این که کشوری در حال توسعه است و یک قدرت جهانی نمی‌باشد، سعی در افزایش هر چه بیشتر توان اقتصادی و عدم درگیری نظامی در سطح جهانی از جمله در شرق و جنوب شرقی آسیا دارد که در اظهارات بی‌جیانگ و سایر مقامات چینی عنوان شده است.

1. Kishore Mahbubani

مجمع منطقه‌ای آسه‌آن

تشکیل مجمع منطقه‌ای آسه‌آن در بیست و ششمین اجلاس وزرا و کنفرانس ما بعد وزرا^۱ آسه‌آن مورد بحث قرار گرفت و در جولای ۱۹۹۳ در سنگاپور تصویب شد و اولین نشست خود را در ۲۵ جولای ۱۹۹۴ در بانکوک برگزار کرد (www.aseanregionalforum.org, 2011: 1-3).

اعضای مجمع متشکل از ۲۷ کشور شامل ده عضو آسه‌آن (اندونزی، مالزی، تایلند، سنگاپور، فیلیپین، ویتنام، لائوس، کامبوج، میانمار و برونئی) و استرالیا، تی‌مور شرقی، نیوزلند، پاپوا نیوگینه، بنگلادش، پاکستان، سری لانکا، کانادا، اتحادیه اروپا، روسیه، آمریکا، چین، کره شمالی، هند، ژاپن، مغولستان و کره جنوبی می‌باشند. دفتر مجمع در دبیرخانه آسه‌آن واقع و سایت آن با حمایت مالی آمریکا ایجاد شده است. منطقه آسیا-اقیانوسیه منطقه پویای رشد اقتصادی است و کشورهای بزرگ و کوچک را به خود جلب می‌کند؛ لذا حفظ و ارتقای صلح و رفاه در منطقه چالشی مهم برای مجمع منطقه‌ای آسه‌آن است. در این راستا اولاً مدیریت جابجایی در روابط قدرت و رشد سریع اقتصادی در منطقه و ثانیاً دیدگاه‌های متفاوت در خصوص صلح و امنیت و ثالثاً مناقشات و اختلاف ارضی حل‌نشده، نیازمند یک رویکرد متحول مرحله‌ای است؛ لذا سه سازوکار در مجمع مدنظر قرار گرفت: ۱. اعتمادسازی ۲. دیپلماسی پیش‌گیرانه ۳. حل و فصل مناقشات (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۴-۶).

اهم موضوعات مذاکره‌شده و توافق‌شده از اجلاس اول تا نوزدهم مجمع (۲۰۱۲-۱۹۹۴) در حوزه اعتمادسازی شامل کاهش تنش و دستیابی به اصول امنیت و امنیت منطقه‌ای سنتی و غیرسنتی از جمله امنیت دریایی و غذایی و همچنین مناقشات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به شرح ذیل بوده است:

در خصوص مفهوم امنیت و امنیت سنتی، کاهش تنش در کشورهای عضو از جمله از طریق ایجاد "منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی"^۲ و جزء اساسی آن منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای^۳ و پیمان دوستی و همکاری^۴ اقدام شده است. مطالعه جامع مفهوم امنیت و از جمله تأثیرات اجتماعی و اقتصادی آن در منطقه آسیا-پاسیفیک، تشویق همه کشورهای مجمع به ثبت سلاح‌های متعارف در سازمان ملل، همکاری‌های صلح‌بانی

1. Post Ministerial Conference (PMC)
2. Zone of Peace, Freedom & Neutrality (ZOPFAN)
3. Southeast Asian Nuclear-Weapon-Free Zone (SEANFWZ)
4. Treaty of Amity and Cooperation (TAC)

شامل مرکز آموزش صلح‌بانی منطقه‌ای، تبادل اطلاعات نظامی غیرمحرمانه، ایجاد مؤسسه صلح و آشتی آسه‌آن و اولویت ارتباطاتی^۱ آسه‌آن، امنیت دریایی و غذایی، ارتقای نقش کارشناسان و افراد برجسته مجمع و انجام مطالعه و تحقیق درخصوص برنامه کاری اجرایی دیپلماسی پیش‌گیرانه مجمع (با مشارکت اندونزی، سنگاپور و استرالیا) که مجمع را از حرف به عمل تبدیل می‌کند، استقبال از ورود مجمع به دیپلماسی پیش‌گیرانه ولی با تأکید بر ادامه اقدامات و تقویت اعتمادسازی، استقبال از روند چندجانبه‌گرایی در آسیا-پاسیفیک و آسیای شرقی و حضور روسیه و آمریکا در اجلاس سران آسیای شرقی.

اهم تصمیمات درخصوص تهدیدات امنیتی غیرسنتی در منطقه عبارت است از: هماهنگی بیشتر در مقابله با تروریسم و جرایم فراملی، تأکید بر تعهد در مقابله با قاچاق انسان و اهمیت اجلاس‌های "پروسه بالی" در موضوع قاچاق انسان و جرایم فراملی، توجه مجمع به پیش‌نویس طرح آمریکا جهت تأسیس مرکز مشارکت اطلاعاتی تهدیدات فراملی^۲ و لزوم بررسی بیشتر آن، توجه به پیش‌نویس بیانیه روسیه درخصوص همکاری در اطمینان‌بخشی به امنیت اطلاعات بین‌المللی و لزوم توجه به آن، تأکید بر گفت‌وگوهای مقامات دفاعی مجمع، روزآمد کردن برنامه اقدام درخصوص تروریسم بیولوژیک^۳ که شامل شیمیایی، بیولوژیک، رادیواکتیو و هسته‌ای می‌شود، ایجاد گفت‌وگوی تکمیلی وزرای دفاع آسه‌آن و توسعه اجلاس آسیای شرقی، ارتقای شفافیت بیشتر در گزارش کشورها و نشر گزارش امنیتی آسه‌آن برای اولین بار در سال ۲۰۱۲ (www.aseanregionalforum.org, 2011: 4-18).

درخصوص مناقشات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تأیید مجدد بر نقش مجمع به‌عنوان یک مجمع درجه اول در مباحث سیاسی و امنیتی و همچنین آسه‌آن به‌عنوان نیروی محرکه آن شده است. اهم اقدامات در این راستا استقبال از ادامه مذاکرات آمریکا و کره شمالی، استقبال از نهایی شدن راه‌های اجرای بیانیه رفتار طرف‌های حاضر در دریای جنوبی چین^۴ (۲۰۰۲) و تأکید بر اهمیت امنیت و سلامت دریایی در دریای جنوبی چین و حرکت به سوی تأسیس کد رفتاری منطقه‌ای^۵، حمایت از میانمار و ادامه اصلاحات اقتصادی و همکاری نزدیک با آسه‌آن و سازمان ملل، حمایت از افغانستان در

1. Connectivity
2. Transnational Threat Information Sharing Center (ATTIC)
3. Bioterrorism
4. Declaration on Conduct (DOC)
5. Code of Conduct (COC)

جهت تلاش‌های سازندگی و انتقال صلح‌آمیز به دموکراسی، حمایت از تلاش‌های بین‌المللی در عدم اشاعه، خلع سلاح و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، درخواست از ایران جهت رفع نگرانی‌های بین‌المللی درباره برنامه هسته‌ای و تبعیت از قطعنامه‌های سازمان ملل ۱۸۰۳، ۱۷۴۷، ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹، تأکید بر تلاش‌های امنیت هسته‌ای بین‌المللی در قالب آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و تعهد به کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک، درخواست حل و فصل صلح‌آمیز مناقشه در خاورمیانه و اتخاذ راه‌حل صلح‌آمیز در تحولات اخیر شمال آفریقا و ادامه نگرانی از وضعیت حقوق بشر در فیجی می‌باشد.

اهم اقدامات در حوزه دیپلماسی پیش‌گیرانه، استفاده از بهترین تجربیات و اقدامات سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی منتخب (مصوبه اجلاس ۱۶)، مشارکت با سازمان‌های قابل قبول مثل سازمان ملل در برنامه‌ها و تجربه‌ها، برگزاری کارگاه و برنامه‌های آموزشی، بهره‌برداری از اتاق‌های فکر و مشورت کارشناسی در سطح ۲ (سازمان‌های مردم‌نهاد) و در بلندمدت تأسیس مرکز کاهش خطرات منطقه‌ای و ظرفیت‌سازی با کمک‌های فنی، مأموریت‌های نظارتی و حقیقت‌یاب و... می‌باشد (Ibid, 1-4).

امنیت خطوط دریایی یکی از مصداق‌های همکاری عملیاتی در مجمع منطقه‌ای آسه‌آن است. تروریسم و دزدی دریایی از تهدیدات خطوط دریایی منطقه است. منطقه جنوب شرقی آسیا دارای چهار تنگه مهم مالاکا، سنگاپور، سوندا و لومبوک می‌باشد که در سال‌های ۱۹۹۹ الی ۲۰۰۴ از تنگه اول از جهت ارزشی ۳۹۰ میلیارد دلار، تنگه سنگاپور-لومبوک ۴۰ میلیارد دلار و تنگه سوندا ۵ میلیارد دلار کالا منتقل شده است (Ho, 2006, 558-565). کشورهای مجاور این خطوط دریایی مهم که نیمی از انرژی و یک‌سوم کالاهای جهانی از آن می‌گذرد و در آینده هم پر رونق‌تر خواهد شد، در سطوح ملی، دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام کرده‌اند. در سطح منطقه‌ای، مجمع منطقه‌ای آسه‌آن همکاری کشورها علیه دزدان دریایی و سایر تهدیدات امنیت دریایی را هماهنگ کرده است و اعضای متعهد به مشارکت در کنوانسیون توقف اعمال غیرقانونی^۱ و پروتکل آن شده‌اند. در سطح ملی تقویت نیروی گشت‌زنی و ارتقای تجهیزات و آموزش و در سطح دوجانبه اندونزی و مالزی و سنگاپور و اندونزی با یکدیگر همکاری مشترک در نیرو، آموزش و تجهیزات برقرار کرده‌اند و در سطح منطقه‌ای علاوه بر مجمع منطقه‌ای

1. Suppression of Unlawful Acts (SUA)

آسه‌آن، آسه‌آن به‌علاوه ۳ از طریق مرکز سیستم اطلاعات با پانزده کارمند ثابت در سنگاپور و همچنین همکاری اندونزی و مالزی و سنگاپور در گشت‌زنی دریایی در تنگه مالاکا و سپس ابتکار گشت‌زنی هوایی و... اقدام شده است. نکته قابل توجه این که آمریکا با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع خواستار ابتکار امنیت دریایی منطقه‌ای شد؛ ولی اندونزی و مالزی با نگرانی از حضور آمریکا و کنترل تنگه مالاکا و نقض حاکمیت‌شان با یکدیگر و با سنگاپور وارد همکاری منطقه‌ای شدند. البته آمریکایی‌ها از طرق مختلف مثل سمپوزیم دریایی پاسیفیک غربی وارد شده و در آینده تمرینات دریایی را مدنظر قرار داده و یا آمریکا و سنگاپور در ابتکار راهبردی بنادر^۱ با نصب حسگرهای حساس کلیه کانتینرها را از جهت مواد رادیواکتیو و هسته‌ای اسکن می‌کنند (Ho, 2006: 565-573). لازم به ذکر است در تحولات اخیر، این سامانه کنترل در سایر بنادر مهم منطقه هم نصب شده است.

بنابراین، مجمع منطقه‌ای آسه‌آن برای حفظ رشد و توسعه اقتصادی و حل‌وفصل مناقشات در منطقه به طریق مسالمت‌آمیز با تعبیه سه راهکار فوق‌الذکر در طول عمر ۱۹ ساله خود در دو سطح دولتی و غیردولتی تلاش‌های بسیاری داشته است و از مرحله اعتمادسازی در حال ورود به دیپلماسی پیش‌گیرانه است تا نهایتاً وارد مرحله حل و فصل مناقشات گردد.

رویکرد امنیتی در منطقه و دیدگاه‌های گوناگون

کشورها و محققان منطقه و جهان با نگاهی خوش‌بینانه، امنیت منطقه را در نظامی چندقطبی و با رویکرد امنیت معطوف به همکاری دست‌یافتنی می‌دانند. روسیه به‌رغم اورآسیایی‌بودنش از طریق مجمع منطقه‌ای آسه‌آن و سازمان همکاری شانگهای درصدد تحکیم نظام چندقطبی و امنیت دسته‌جمعی چندجانبه است. هند هم همانند روسیه به‌دنبال نظام چندقطبی و امنیت معطوف به همکاری چندجانبه و اعتمادسازی در منطقه است.

از نگاه روسیه که خود را یک ملت اورآسیایی می‌داند، اجرای منافع ملی‌اش به مقدار زیادی با استحکام موضع‌اش در منطقه آسیا-پاسیفیک مشخص می‌شود. نظم جهانی چندقطبی یک گرایش ثبات‌بخش مثبت در منطقه است و تعامل امنیتی چندجانبه موفقیت‌آمیز سازمان همکاری شانگهای به‌دنبال امنیت هم‌گرا و صلح و ثبات

در منطقه و ایجاد یک نظم بین‌المللی جدید دموکراتیک و عادلانه است. عامل مهم دیگر در شکل دهی تعامل سیستم چندلایه‌ای ارتباطات در آسیا-پاسیفیک، گسترش تعامل میان کشورهای آسیای شرقی با مکانیسم آسه‌آن^۳ است که نمایان‌گر چندقطبی‌گری^۱ است و با نگاه روسیه که ترکیبی از مناسبات و سازوکارهای چندجانبه است، همخوانی دارد. در برابر تهدیدات، مثل تروریسم بین‌المللی، جدایی‌طلبی، افراطی‌گری مذهبی و نژادی و جرایم فراملی که با جهانی شدن بدتر هم شده‌اند، گفتگوهای امنیتی چندجانبه مجمع منطقه‌ای آسه‌آن، سازوکارهای راهنما را برای تعامل سیاسی چندجانبه و مباحثات سازنده فراهم می‌کند (Russian Federation Country Report, 2011: 1-3).

از نگاه هند قرن ۲۱ قرن آسیاست و نیازمند یک نظم امنیتی تکثرگرا براساس رهیافت امنیتی معطوف به همکاری می‌باشد. در عصر جدید نه واژه‌های نظامی که برابری کشورها و مسئولیت آن‌ها در مسائل امنیتی مهم است، لذا نظم امنیتی چندقطبی با تنوع موجود در منطقه متوازن می‌شود و این انعکاسی از قدرت کشورها و سازمان‌ها مثل آسه‌آن به‌عنوان بازیگران متفاوت امنیتی و اقتصادی در منطقه است. در سطح منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ مسئولیت مهمی دارند و باید همسایگان خود را اطمینان بخشند که توانایی‌های رو به رشد آن‌ها باعث تهدید آن‌ها نیست. در سطح جهانی تصمیم‌سازی باید متوازن و براساس چندجانبه‌گرایی باشد. حضور هند در امور آسیا در شکل تعامل تمدنی با سابقه تاریخی تجارت دریایی و مهاجرت هندی‌هاست. هند در سیاست نگاه به شرق خود از دهه ۹۰ به‌دنبال تعامل معطوف به همکاری و همچنین اعتمادسازی بیشتر و ثبات در منطقه با بقیه کشورهای آسیاست (India Country Report, 2000: 1-2).

از نگاه محققان جنوب شرقی آسیا، امنیت منطقه‌ای، سیاست تعادل فعال و یا ایجاد کنسرت قدرت‌ها و حضور آمریکا به‌عنوان یک متعادل‌کننده با ظهور قدرت‌های منطقه‌ای چون چین، هند و ژاپن در منطقه جنوب شرقی آسیا، ضروری و از اشکال الگوی فراگیر امنیتی منطقه است. به عبارت دیگر ضمن حمایت از حضور آمریکا در منطقه به عنوان کنش‌گر تعادل بخش، به جای موازنه قوا (دوقطبی)، بر امنیت منطقه‌ای حاصل از روابط قدرت‌های بزرگ و همکاری با چین در قالب امنیت معطوف به همکاری و یا ایجاد کنسرت قدرت از طریق تعامل آمریکا، چین، هند، ژاپن، روسیه، اندونزی، استرالیا و کره جنوبی (گروه ۸) تأکید دارند.

1. Multi-polarity

خانم محبت، محقق مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی اندونزی، معتقد است از دهه گذشته تاکنون ظهور چین و هند در کنار ژاپن به عنوان رقیب، چرخش توجه آمریکا به سایر مناطق دنیا و مسائل فوری دیگر امنیتی، موجب تغییراتی در مهندسی امنیتی منطقه شده است. دکترین امنیتی-عملیاتی آسه‌آن و احتمالاً قابل عمل در آسیا-پاسیفیک وابسته به حمایت الگوی قدرت که در آن آمریکا نقش متعادل‌کننده اصلی را دارد، می‌باشد. با توجه به ظهور قدرت‌های منطقه‌ای، عملاً امنیت منطقه از رویکرد موازنه قوا باید به سوی همکاری نزدیک‌تر میان قدرت‌های بزرگ و اصلی تغییر شکل یابد. به عبارتی دیگر روابط قدرت‌های بزرگ باید به صورت شبکه‌ای از روابط منطقه‌ای تغییر یابد (Muhibat, 2007: 1-6).

یوسف واناندی، معاون مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی اندونزی هم در این ارتباط با ظهور چین و هند، بهترین راه مؤثر را ایجاد یک نهاد منطقه‌ای می‌داند که بتواند سه قدرت بزرگ چین، هند و ژاپن را متوازن کند؛ چیزی شبیه کنسرت قدرت که تعادل در منطقه را با آمریکا حفظ می‌کند. وی معتقد است باید اپک را برداشت و به جای آن اجلاس آسیای شرقی را جهت مباحث و گفتگوهای استراتژیک قرار داد و آسه‌آن + ۳ را که ده سال است فعالیت می‌کند، با اجازه ورود اعضای اجلاس آسیای شرقی بر همکاری‌های اقتصادی متمرکز نمود. مجمع منطقه‌ای آسه‌آن هم بر امنیت انسانی (امنیت غیرسنستی) تمرکز یابد و با ایجاد دبیرخانه و حضور وزرای دفاع نهادی عملیاتی شود. در ماورای این نهادها ایجاد نهاد آسیای شرقی^۱ به‌عنوان چتری برای گفت‌وگوهای راهبردی و همکاری‌های امنیتی سنتی سخت که آمریکا و روسیه به آن دعوت می‌شوند و کشورهای دیگر مدعو از جهت وسعت، اهمیت راهبردی و تولید ناخالص داخلی عبارت خواهند بود از استرالیا، چین، هند، اندونزی، ژاپن و کره جنوبی با یکدیگر کنسرت قدرت آسیای شرقی یا گروه ۸ را برای منطقه ایجاد می‌کنند. (Wanandi, 2008: 1-2)

باری دسکو، رئیس مؤسسه مطالعات دفاعی و استراتژیک دانشگاه فنی نانیانگ سنگاپور، معتقد است با ظهور چین، نحوه مقابله آسه‌آن و استرالیا با آن و رشد تنش میان ژاپن و چین و بالاخره مهندسی امنیتی آسیا و حضور آمریکا تغییرات عمیقی را در منطقه ایجاد کرده است. لذا اهمیت اقتصادی و استراتژیک چین ضروری می‌سازد تا آن کشور به‌عنوان بازیگر مهم در شبکه مؤسسات چندجانبه منطقه‌ای بماند؛ چرا که با این

تحركات، چین متأثر از ارزش‌ها و ایده‌های این مؤسسات خواهد شد. از دید اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها مجمع منطقه‌ای آسه‌آن یک محل گپ و گفت است؛ ولی این مجمع مؤثرتر شده است و امنیت غیرسنستی را مثل بلایای طبیعی، تروریسم فراملی، جرایم فراملی و امنیت دریایی مورد توجه قرار داده است. اگرچه آمریکا از جنگ جهانی دوم قدرت هژمون در آسیا-پاسیفیک بوده ولی در ۲۵ سال آینده چنین نیست؛ چرا که شوروی رقیب راهبردی و سیاسی آمریکا بود ولی حالا چین رقیب سیاسی، راهبردی و اقتصادی آمریکاست. فعالیت رو به افزایش چین با حضور در مجامع منطقه‌ای مثل سازمان همکاری شانگهای، آسه‌آن + ۳ و... نشان از تمرکز این کشور بر امنیت معطوف به همکاری از موضوعات اقتصادی تا امنیت انسانی دارد. کشورهای حوزه آسه‌آن خواستار حضور فعال و موثر چین هستند و نمی‌خواهند سایر بازیگران چون استرالیا، هند، ژاپن و کره جنوبی را به حاشیه برانند. مجمع منطقه‌ای آسه‌آن + ۳ نشان می‌دهد که سیاست تعامل فعال توسط آسه‌آن با آمریکا، هند، ژاپن و کره جنوبی برقرار است (Deskeo, 2007: 2-21).

ترتیبات امنیتی منطقه از منظر برخی مراکز فکری و اندیشمندان غربی نیز تأکید بر الگوی فراگیر امنیتی چندجانبه و تعامل میان قدرت‌های بزرگ دارد که تأثیر آن در سطوح سایر مناطق و جهان نیز تسری می‌یابد. مؤسسه شرق و غرب، موضوع عمده در منطقه را بحث معماری امنیتی در قرن ۲۱ می‌داند. آن‌ها معتقدند برخلاف رقابت ابرقدرت‌ها با بازی حاصل جمع صفر در دوره جنگ سرد، ساختار معماری امنیتی آسیا-پاسیفیک در حال حاضر هژمونی یک قدرت بر دیگران نیست و پارادایم چندوجهی^۱ است که نوعی تعادل برابر میان قدرت‌های اصلی یعنی چین و آمریکا است. اجلاس آسیای شرقی فرصتی برای بحث‌های اقتصادی و استراتژیک است. ابتدا کوین راد نخست‌وزیر وقت استرالیا عنوان "جامعه آسیا-پاسیفیک" را مطرح کرد ولی بعداً نخست‌وزیر ژاپن هاتویاما "جامعه آسیای شرقی" را پیشنهاد داد^۲ (Suryodinigrat, 2011: 1).

1. Multiple Paradigm

۲. در واقع این پیشنهاد برای اولین بار توسط ماهاتیر محمد در سال ۱۹۹۱ با محتوای اقتصادی مطرح شد، چرا که وی معتقد بود همه مسائل شرق آسیا در قالب آسه‌آن قابل حل و فصل نیست. نهایتاً اجلاس آسیای شرقی در نشست سران آسه‌آن + ۳ در سال ۲۰۰۴ با حضور ۱۶ کشور تأیید شد. اولین اجلاس آن در سال ۲۰۰۵ در مالزی و در حاشیه نشست سران آسه‌آن برگزار شد. نهایتاً در نشست ششم در سال ۲۰۱۱ در بالی اندونزی حضور سران آمریکا و روسیه در آن تأیید و ۱۶ عضو اجلاس به ۱۸ عضو رسید (ده کشور آسه‌آن به علاوه چین، کره جنوبی،

باری بوزان می‌گوید چگونگی روابط چین با منطقه آسیای شرقی و چگونگی روابط چین و آمریکا با هم به‌طور عمیق نه تنها آینده آسیای شرقی، بلکه امنیت جهانی را متأثر می‌سازند. حقیقتاً پیشرفت جدی در موضوعات حساس به راحتی در چارچوب چندجانبه‌گرایی حاصل نمی‌شود و غیرواقعی است اگر انتظار رود آسیای شرقی مثل تلاش به هم تنیده شورای همکاری و امنیت اروپا، ناتو و اتحادیه اروپا که در ممانعت از افزایش بحران‌ها و ایجاد ثبات بعدی در صربستان جنوبی و جمهوری مقدونیه در یوگسلاوی سابق، نقش اساسی داشته‌اند، عمل کند. بوزان براساس تئوری پیچیده منطقه‌ای^۱ به رژیم امنیت پس از جنگ سرد در آسیای شرقی اشاره دارد که در آن یک قدرت خارج از منطقه یعنی آمریکا نقش کلیدی بازی می‌کند، در حالی که چین در منطقه در نتیجه روابط با همسایگانش قدرتمند می‌شود (Cooperative Security Region, 2005: 215-216).

در مقایسه مجمع منطقه‌ای آسه‌آن و شورای همکاری و امنیت اروپا^۲ این دو رژیم بی‌نظیر و استثنایی ارزیابی شده‌اند که امنیت معطوف به همکاری چندجانبه^۳ را نمایندگی می‌کنند. شورا در دهه ۷۰ و ۸۰ ابتدا کنفرانس بود ولی در سال ۹۴ به شورا تبدیل شد و در ابتدا اعتمادسازی و گفتگوهای باز، هدف اصلی بود و چون قدرت نظامی نداشت مورد نقد بود، ولی همکاری با اتحادیه اروپا و ناتو داشته است. شورا یک اتحاد امنیتی نیست، بلکه یک رژیم امنیتی معطوف به همکاری است. مجمع منطقه‌ای آسه‌آن پس از جنگ سرد تشکیل شد و مثل شورا نتوانسته است شفافیت و همکاری را ایجاد نماید، ولی نیازمند زمان است.

به هر حال، از تأسیس مجمع تاکنون رویکرد امنیتی آن مرحله‌ای^۴ و مناسب با همه کشورهای عضو است. مجمع به‌رغم عمر کوتاه آن حداقل موجب تکمیل اتحادیه‌های دوجانبه و گفتگوهای مختلف در منطقه شده است که در مورد چین انعقاد "کد رفتاری" در دریای جنوبی چین و یا پیمان مودت و دوستی آسه‌آن از جمله این فعالیت‌هاست (Ibid, 2005: 213-214).

ژاپن، هند، استرالیا، نیوزلند، آمریکا و روسیه). تأکید کشورهای عضو بر مسائل سیاسی و امنیتی راهبردی بوده است (مظفرپور، ۱۳۹۰: ۱-۲).

1. Regional Complex Theory
2. Organization for Security and Cooperation in Europe (OSCE)
3. Multilateral Cooperative Security
4. Piecemeal

در ارتباط مجمع منطقه‌ای آسه‌آن با سازمان‌های دیگر در سطوح مراکز فکری به‌خصوص مراکز پژوهشی اندونزی، پیشنهادهای جهت مشارکت ناتو-آسه‌آن داده شده است. ایوان لاکسامانا از مؤسسه مطالعات استراتژیک و بین‌المللی اندونزی، معتقد است ناتو با ۷۱ سال تجربه می‌تواند به آسه‌آن ۴۴ ساله در مباحث امنیتی مثل برنامه‌ریزی و عملیات دفاعی چندجانبه، استانداردسازی آموزش مشترک سلاح‌ها یا تحقیق و توسعه منطقه‌ای کمک کند و حوزه‌های مهم کاری در مشارکت آسه‌آن-ناتو در آینده در چهار سطح استراتژیک، نهادی، عملیاتی و مردم با مردم می‌تواند: ۱. امنیت دریایی، مبارزه با دزدان دریایی ۲. عملیات صلح‌بانی ۳. کمک‌های انسانی و بلایای طبیعی ۴. اصلاحات دفاعی و ۵. مبارزه با تروریسم باشد (Laksamana, 2011: 1-2).

شایان توجه است از دیدگاهی دیگر، که بیشتر بدبینانه است، محیط آسیا-اقیانوسیه پیچیده و محیطی پر از تنش تصور شده که امنیت معطوف به همکاری تنها از طریق سازوکارهای دوجانبه مثل مشارکت امنیتی آمریکا-ژاپن و در نهایت چندجانبه مثل مجمع منطقه‌ای آسه‌آن به صورت سازوکار مکمل و تکمیلی به دست می‌آید. حتی پیشرفت اقتصادی منطقه نه تنها موجب امنیت نیست، بلکه موجب نبرد برای برتری منطقه‌ای تصور شده است. به عبارتی دیگر، منطقه شبیه کابین خلبانی فرض شده است که در آن قدرت‌های بزرگ یعنی آمریکا، چین، ژاپن و روسیه در حال نزاع برای راهبری منطقه هستند (Reid, 2000: 163-179).

نتیجه‌گیری

در این مقاله در پاسخ به سؤال چگونگی رویکرد نظام امنیتی منطقه با بازگشت آمریکا به شرق آسیا و ظهور چین، در چارچوب نظری مکتب لیبرالیسم و با تکیه بر رهیافت همگرایی منطقه‌ای استدلال شد که سازمان قدیمی منطقه به نام آسه‌آن که اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا و سد نفوذ کمونیسم بود، پس از فروپاشی شوروی، الگوی قوی از همگرایی منطقه‌ای با کارکرد اقتصادی ارائه داد و در ابعاد امنیتی خود با ظهور چین و حضور کم‌رنگ و سپس پررنگ آمریکا در منطقه، مجمع منطقه‌ای آسه‌آن را شکل داد. مجمع پس از نوزده سال از عمر خود با طی روند اعتمادسازی، دیپلماسی پیش‌گیرانه و حل‌وفصل مناقشه‌ها با استفاده از الگوی امنیت معطوف به همکاری چندجانبه و رد یک‌جانبه‌گرایی سعی در مدیریت منطقه در جهت حفظ رشد و توسعه اقتصادی به جای درگیری‌های نظامی کرده است.

در این راستا آمریکا با مشاهده ظهور و نفوذ چین در منطقه و فراقیت نسبی‌اش از جنگ‌های تحمیلی در خاورمیانه، با این استدلال که رشد و توسعه منطقه بدون حضور

و مساعدت سابق آمریکا بوده است، ضمن بازگشت به شرق آسیا، خواستار مشارکت در مهندسی نوین امنیتی منطقه و حضور در کلیه نهادهای منطقه و تقویت مجمع منطقه‌ای آسه‌آن شد. در دوره اوباما راهبرد تقابل-همکاری در روابط آمریکا و چین به علت وابستگی بسیار اقتصادی این دو کشور به هم و تقابل در شکل مهار و عقب‌راندن چین به مرزهای خود مد نظر قرار گرفت و چین نیز ظهور خود را مسالمت‌آمیز دانسته، سعی در افزایش هر چه بیشتر توان اقتصادی و عدم درگیری نظامی در منطقه داشته است.

کشورهای آسه‌آن در روابط با آمریکا و چین و این دو با هم و با آسه‌آن، از حضور این دو قدرت در کنار سایر قدرت‌های جهانی مثل روسیه و هند استقبال کرده و از آن به‌عنوان تعادل پویا^۱ نام بردند. به عبارت دیگر، نظامی چندقطبی با امنیت معطوف به همکاری چندجانبه منطقه‌ای با محوریت مجمع منطقه‌ای آسه‌آن که رقابت‌ها را به همکاری تبدیل کرده و با حل‌وفصل مناقشات، نیاز منطقه را که همانا رشد و توسعه اقتصادی است، به دست می‌آورد و در سطح مجمع منطقه‌ای پس از نوزده سال از ایجاد تنش در منطقه توسط قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا و چین جلوگیری می‌کند. نگاه کشورها و محققان منطقه و جهان نیز خوش‌بینانه بوده و امنیت منطقه در نظامی چندقطبی و با رویکرد امنیت معطوف به همکاری ملاحظه شده است. روسیه و هند از طریق مجمع منطقه‌ای آسه‌آن به دنبال اعتمادسازی در آسه‌آن و شرق آسیا هستند.

محققان اندونزی و سنگاپوری به جای موازنه قوا (دوقطبی)، بر امنیت منطقه‌ای معطوف به همکاری حاصل از روابط قدرت‌های بزرگ و یا ایجاد کنسرت قدرت از طریق حضور آمریکا، سنگاپور، چین، ژاپن، روسیه، اندونزی، استرالیا و کره جنوبی (گروه ۸) تأکید دارند. به عبارتی دیگر از نگاه مراکز پژوهشی آمریکا، امنیت منطقه چندوجهی و نوعی تعادل میان آمریکا و چین و در قالب نهاد اجلاس آسیای شرقی نگاه شده است و باری بوزان حضور چین در شرق آسیا و همچنین روابط چین و آمریکا را در این منطقه در شکل‌دهی امنیت آسیای شرقی و بالطبع جهان بسیار مؤثر می‌داند و البته اصرار آسه‌آن در مهندسی امنیت منطقه از طریق مجمع منطقه‌ای آسه‌آن می‌باشد.

منابع

۱. "آسیا-پاسیفیک و سیاست خارجی دولت اوباما"، سخنرانی هیلاری کلینتون در مرکز شرق و غرب، ژانویه ۲۰۱۰، سامانه اطلاع رسانی وزارت خارجه.
۲. بروجردی، محمد (۱۳۸۰)، "اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا"، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۳. بلندبان، غلامحسین (مرداد ۱۳۹۰)، "نظام امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی"، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی.
۴. چگنی‌زاده، غلامعلی (۱۳۸۶)، "قدرت‌یابی چین، رویکردی نظری به تغییر در سیاست بین‌الملل"، پژوهش حقوق و سیاست، بهار و تابستان، شماره ۲۲.
۵. سازمند، بهاره (۱۳۸۸)، "منطقه‌گرایی و هویت مشترک در جنوب شرقی آسیا؛ آسه‌آن ۲۰۰۸-۱۹۶۷"، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. عراقچی، عباس، سبحانی، مهدی (۱۳۹۱)، "تقابل سرد در آسیا؛ پیام رویکرد نظامی جدید آمریکا در آسیا-پاسیفیک"، فصلنامه روابط خارجی، سال ۴، شماره ۴.
۷. فیاضی، محسن (۱۳۹۰)، "معادلات امنیتی در شرق آسیا و آسه‌آن"، گزارش وزارت خارجه.
۸. قاضی‌زاده، شهرام، طالبی‌فر، عباس (۱۳۸۸)، "سازمان همکاری شانگهای؛ همگرایی نوین منطقه‌ای"، تهران: نشر لقاء النور.
۹. محبوبانی، کیشور (۱۳۸۸)، "نیمکره جدید آسیایی؛ تغییر گریزناپذیر قدرت جهانی"، ترجمه: محسن شریفی‌نیا، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳.
۱۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، "تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل"، تهران: نشر سمت.
۱۱. مظفرپور، نعمت‌الله (۱۳۹۰)، "نشست ششم اجلاس آسیای شرقی و محورهای احتمالی گفت‌وگوها"، گزارش نمایندگی جاکارتا.

12. Berger, Samuel R. (2011), "The US Stake in Greater Asian Integration", Global Asia, Vol. 1, No.1.
13. Brenson, John (1994), "From Dominoes to Dynamos: The Transformations of Southeast Asia", N.Y., Council of Foreign Relations Press.
14. Clinton, Hillary (2011), "Back in Asia-The US steps up its Re-Engagement", Strategic Review, Vol.1, No.1.
15. "Cooperative Security Regime: A Comparison of OSCE & ARF", (2005), Sejong Policy Studies, Vol.1, No.1.
16. Deskeo, Barry (2007), "New Security Dimensions in the Asia Pacific", S.Rajaratnam School of International Studies, Singapore.
17. Ho, Joshua H. (2006), "The Security of Sea Lanes in Southeast Asia", Asian Survey, Vol.XLVI, No.4, Singapore.
18. Suryodiningrat, Meidyatama (2011), "ASEAN Regional Forum: China and the United States", Asia Pacific Bulletin, No.127.

سایت های اینترنتی

1. ARF, 2011, "Promoting Peace & Security through Dialogue & Cooperation in The Asia-Pacific",
[www.aseanregionalforum.org/about Us/tabid/57/Default, aspx](http://www.aseanregionalforum.org/about%20Us/tabid/57/Default.aspx)
2. ARF Preventive Diplomacy work plan, June 2011;
www.aseanregionalforum.org/publiclibrary/...
3. ARF Enhancing ties between Track I and Track II: A Concept Paper; 2005; www.aseanregionalforum.org
4. ASEAN Regional Forum: A Concept Paper,
www.aseanregionalforum.org/publiclibrary/ARFchairmansstatementsandreport/...
5. Chairman's Statement; The First Meeting, July 1994;
www.aseanregionalforum.org/publiclibrary/...
6. Chair's statement, 2011, "Asean Community in a Global Community of Nation's", www.aseanregionalforum.org/publiclibrary/...
7. Laksamana, Evan A., 2011, "Sketching out a Future ASEAN-NATO Partnership", The Jakarta Post, Indonesia
8. Muhibat, Shafiah, 2007, "Peace & Security in The Asia-Pacific: A View from Indonesia", CSIS Indonesia; www.rchss.siniea.edu.tw/capas
9. Reid, Maree, "The Asia-pacific: A Zone of Co-operative Security or a Hotbed for Conflicts?", Kurt R. Spillmann & Joachim Krause, International Security Challenges in a Changing World; www.fsk.ethz.ch
10. Russian Federation; Country Report;
www.aseanregionalforum.org/publiclibrary/publiccalions/annualsecurityoutlook...
11. Wanandi, Jusuf, 2008, "The Asean Charter and Remodeling Regional Architecture", www.eastasiaforum.org